

حریم خصوصی و جامعه اطلاعاتی

حمید شهریاری*

چکیده

این مقاله در تلاش است تا به دو پرسش اساسی در باب حریم خصوصی پاسخ گوید: اول، این که تعریف حریم خصوصی چیست و چه موضوعاتی را شامل می‌شود. و دیگری، این که رعایت حریم خصوصی در کدام موارد لازم است و این موارد لازم چه استثنائاتی دارد. در این مقاله به نقش خاص فن‌آوری اطلاعات در رشد و توسعه دستیابی به اطلاعات و بازیابی آن اشاره می‌شود که پیش از آن، در این حد وسیع امکان‌پذیر نبوده است. این امر می‌تواند منافع و مضاری را در پی داشته باشد. محدوده شمول مفهوم حریم خصوصی در این مقاله بحث شده و سپس به ارزش داوری در باب افشای اطلاعات مربوط به آن پرداخته شده است و حفظ حریم خصوصی از ارزشهای اولی در تفکر اسلامی محسوب گردیده است. در ادامه به عناوین متعددی که کارهای ما بدان متصف می‌شود اشاره می‌شود و این که مطابق هر عنوان ارزش داوری مستقلی می‌تواند وجود داشته باشد. البته گاهی ارزش حمایت از حریم خصوصی با ارزشهای نهادی و خصوصی دیگر در تعارض قرار می‌گیرد و حل تعارض بر اساس اولویت در ارزشها مطابق دیدگاه دین اسلام صورت خواهد گرفت.

کلید واژه‌ها: فن‌آوری اطلاعات، ارزشهای اخلاقی، حریم خصوصی، حقوق

فردی.

* استادیار سازمان سمت

بحث درباره ارزشهای جامعه اطلاعاتی زمانی قوت گرفت که در دسامبر سال ۲۰۰۳ سران کشورهای جهان بیانیه‌ای را برای این موضوع با عنوان بیانیه اصول در اجلاس عالی سران جهان درباره جامعه اطلاعاتی تصویب کردند. این سند در صدد بود چالش‌هایی را که در هزاره جدید بر سر راه ایجاد جامعه اطلاعاتی است بر طرف کند. تقریباً تمامی سران جهان در اجلاسی شرکت کردند که به منظور تصویب این بیانیه گرد هم آمده بودند. کشور ما نیز از این امر مستثنی نبود و از امضا کنندگان این بیانیه بود. در پی آن برنامه‌ای برای اقدامات لازم برای دستیابی به جامعه اطلاعاتی تدوین گشت که به برنامه اقدام، مشهور شد. این اجلاس در سال ۲۰۰۵ در تونس مجدداً تشکیل شد و بندهای جدیدی برای تکمیل یا توضیح اعلامیه اصول و برنامه اقدام بدان افزوده یا بر آن تأکید مجدد شد. بحث از ابعاد گوناگون، بااهمیت و نوظهور این دو سند ما را از هدف اصل مقاله دور می‌سازد. بدین روی صرفاً به این نکته اشاره می‌شود که این دو سند ترسیمی از آینده جهان را برای مخاطب هوشمند به دست می‌دهد و توجه بدان بر هر فردی که در حوزه ملی تصمیم‌گیری می‌کند الزامی است و عدم توجه بدان موجب خواهد شد که نام ما به عنوان کسانی که موقعیت تاریخی خویش را بدرستی درک نکردند با سیاستمداران دوره قاجار قیاس‌پذیر باشد. جهان در حال تحولات شگرفی است و ارتباطات انسانی به شدت و سرعت در حال تغییراتی مشابه تحولات دوران پس از جنگ جهانی دوم است. (ر.ک. معتمدنژاد: ۱۳۸۲، ۱۸۳-۲۱۶) اما همه این امور چه ارتباطی با یک بحث فلسفی با عنوان «حریم خصوصی» دارد؟

یکی از فیلسوفان اخلاق که در حوزه فن آوری اطلاعات قلم زده است می‌گوید: «مکانی را در نظر آورید که عابران هیچ رد پایی از خود برجای نمی‌گذارند، در آنجا می‌توان چیزی را بارها و بارها دزدید در حالی که آن چیز هنوز در دست صاحب اصلیش است، در آنجا تجارتی صورت می‌گیرد که تاکنون نامی از آن نشنیده‌اید و در این تجارت آنچه مبادله می‌شود اطلاعات تاریخی محرمانه یا خصوصی شماست، در آنجا بچه‌ها با این که در خانه نیستند ولی احساس می‌کنند که نزد والدین خویش اند.

در آنجا تمام امور فیزیکی (از کتاب گرفته تا پول و مشافهه و خرید و مراوده) همه عینیت خویش را از دست داده و تبدیل به اموری الکترونیکی و ذهنی شده‌اند. و خلاصه جایی که همه کس به همان اندازه مجازی است که سایه‌ها در تمثیل غار افلاطون.» (Barlow: 1991, 19-21)

افلاطون چنین نظر داشت که ما انسانها همه درون غاری هستیم که ما را از رؤیت خورشید حقیقت بازمی‌دارد. در این غار سایه‌هایی از امور حقیقی بر دیوار این غار افتاده و ما که دستمان از حقیقت کوتاه و پشتمان به واقعیت است این سایه‌ها را با اموری حقیقی اشتباه می‌گیریم و تصور باطلی به ما دست می‌دهد که این سایه‌ها را همان حقیقت می‌پنداریم. این سایه‌ها امور محسوسی است که از واقعیات کلی عقلی داریم. این سایه‌ها مجازهای آن حقایقی است که مُثُل افلاطونی نامیده می‌شود. (کاپلستون: ۱۳۶۸، ۱۹۰-۱۹۲؛ Plato: 1963, 514a1-518d1)

امروز اشخاص با هویت‌های مجازی در فضای الکترونیکی ظاهر می‌شوند، با یکدیگر به گفتگو می‌پردازند و با هم قول و قرارهایی می‌گذارند و گاهی غافل می‌شوند که ممکن است با کسی سخن گویند که کاملاً هویتی جدا از آنچه بروز داده دارد. این یک هویت مجازی است. هویتی که البته کاربردهای خاص خود را در محیط الکترونیک دارد و می‌تواند کارآمدی خاص خود را نیز داشته باشد. این هویت مجازی می‌تواند در پی اهدافی شوم یا ناصواب باشد: بیچاره آن پسر نوجوانی که گمان می‌کرد دوستی در آن سوی دنیا برگزیده است اما ممکن است روزی روشن شود که این دوست، فردی در خیابان پایینی شهر خودش است! فرض مقابل این است که این هویت مجازی می‌تواند در پی اهدافی ارزشی پدید آید. به یاد بیاوریم که حضرت سجاد، زین العابدین، علی بن الحسین علیه السلام وقتی در صدد اعطای غذا به مستمندان به اطراف شهر مدینه می‌رفت روی خود را از فقرا می‌پوشاند تا او را نشناسند و هویتش مخفی بماند. (الشیخ الصدوق: ۱۴۰۳ ق، ۵۱۷/۲؛ المجلسی: ۱۴۰۴ ق، ۶۱/۴۶) اخفای هویت از نگاه اسلام گاهی امری ارزشی است. امروز فضای سایبر این امکان را به طور

بسیار قطعی تری در اختیار ما قرار داده است. امروز کسی نمی‌تواند مانند دیروز یکباره از هویت‌های پنهان نقاب برکشد. بحث ارزشی درباره این نوع مسائل موجب پیدایی مسأله‌ای با عنوان «اخلاق فن‌آوری اطلاعات» شده است که یکی از مسائل مطرح در حوزه اخلاق کاربردی است و اخلاق کاربردی نیز حوزه‌ای الحاقی به مباحث فلسفه اخلاق محسوب می‌شود. امروز بحث از مسائل اخلاق کاربردی همچون اخلاق پزشکی، اخلاق شغلی، اخلاق ورزش، اخلاق محیط زیست، اخلاق تجارت، اخلاق وکالت و مانند آن از اهمیت روزافزونی برخوردار است. شیوه بحث از این مسائل، عقلی - تحلیلی است ولی ما در این مقاله برای دستیابی به نظریه اسلامی از روش نقلی نیز استفاده کرده‌ایم.

برخی معتقدند که بحث از اخلاق فن‌آوری اطلاعات دارای عناصری منحصر به فرد است و همین امر در مواجهه با فضای سایبر یا محیط‌های شبکه‌ای یا به طور کلی رایانه ما را ملزم می‌سازد که توجهی اختصاصی به مسائل آن داشته باشیم، چون گفته‌های ارزشی پیشین یا توصیه‌های گذشته برای این مباحث کافی نیست. ما در مواجهه با این معضلات دچار یک خلأ مفهومی هستیم و مفاهیم موجود در نظریات سنتی و نیز اصول حاکم بر آنها برای حل مشکلات اخلاقی بی‌کیفیتی که فن‌آوری اطلاعات موجب آن شده، کافی نیست. برای مثال آن چه مفهومی از ملکیت و شیئیت است که می‌توان بارها و بارها آن را دزدید و در عین حال همچنان در دست صاحبش باشد، این مفهوم از ملکیت، درک و فهم سنتی از ملک و مالکیت را دچار چالش می‌کند. اینجاست که تأمل صرف در باب ارزشها مشکل‌گشا نیست بلکه باید این خلأ مفهومی را نیز پر کرد و در تعریف آنها نکات جدیدی را گوشزد کرد. باید مفاهیم و اصول اخلاقی را طوری گسترش داد که موقعیتهای نوظهور را پوشش دهد. (Moor: 1985, 266-75)

البته ممکن است قائل شویم که بر خلاف رأی ایشان، مفاهیم تغییر نکرده‌اند بلکه مصادیق هر مفهوم متعدد و متنوع شده است. اینک در صدد نقد آرای منقول نیستیم و

بیشتر در صدد آنم که اصل موضوع و مسأله تنقیح گردد و راه برای مباحثات بعدی در این زمینه باز بماند. در بندهای بعد به طرح یک مسأله از مسائل فلسفی که از جمله مباحث مطرح در اخلاق فن‌آوری اطلاعات است می‌پردازیم.

طرح مسأله

امروزه فن‌آوری اطلاعات، ذخیره سازی اطلاعاتی را ممکن ساخته است که در گذشته جز با انبارهایی بزرگ از پرونده‌های قطور ممکن نبوده است. اما این امر کمی تنها خصوصیت عصر اطلاعات نیست. امروزه فن‌آوری اطلاعات، بازیابی اطلاعاتی را میسر ساخته که در گذشته یا ممکن نبوده و یا بسیار مشکل بوده است. به یاد دارم که در سال اول طلبگی وقتی با کتاب شریف بحار الانوار آشنا شدم و هر شب بخشی از آن را مطالعه می‌کردم در صدد برآمدن تا کلیه آیاتی که در احادیث این کتاب آمده است فهرست کنم تا پس از یکبار فهرست برداری و سپس منظم کردن فهرستها بتوانم هنگام مراجعه به هر آیه موارد وقوع آیه در احادیث بحار الانوار را به راحتی بیابم. وقتی بخشی از کار را به انجام رساندم حجم وسیع کار و دشواری طبقه بندی اطلاعات و بازیابی فیش‌های استخراجی مرا از ادامه کار محروم کرد و چه خوب شد که ادامه ندادم چون امروز همین کار با برنامه نرم افزاری جامع الاحادیث - نور ۲/۵ به راحتی نه تنها در مجلدات بحار بلکه در تک جلد‌های آن و حتی تک تک منابع این کتاب که بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب است فراهم آمده است. کاری که فهرست سازی دستی آن سالها به طول می‌انجامید و خطاهای انسانی در آن بسیار محتمل بود امروزه با دقت بسیار بیشتر و کمیتی قطعی‌تر به آسانی چند بار تقه زدن بر روی کلید موشواره است. (مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی: جامع الاحادیث نور ۲/۵).

خیلی جالب است که شما در منزل خود نشسته باشید و کالایی حجیم را از آن سوی دنیا خریداری کنید و پانزده روز بعد آن را در درب منزل تحویل بگیرید. اینها اموری است که فن‌آوری اطلاعات در اختیار بشر قرار داده است. اما همیشه اخبار

دلنشین نیست: هر چه فن آوری اطلاعات پیشرفت می‌کند امکان فریبکاری و تقلبهای انسانی نیز ابعاد جدیدتری پیدا می‌کند. بخصوص در بانکداری الکترونیکی هر از چند گاهی اخباری عجیب و غریب به گوش ما می‌رسد که نشان دهنده وجود افرادی متقلب در سراسر دنیاست. این افراد در صدد سوء استفاده از این امکانات وسیع تجارت الکترونیکی هستند که شبکه اینترنت در اختیار نهاده است.

اطلاعات موجود در شبکه‌ها آنقدر وسیع و گسترده شده که امروزه در صددند برنامه‌هایی تدوین کنند تا از این همه اطلاعات، چگونه آنها را که به کار افراد مختلف می‌خورد گزینش کنند. این دنیای جدیدی است که با یک مهبانگ جدید بوجود آمده است و در این انفجار اطلاعات بیش از آنچه در تصور بشر چهل سال قبل می‌گنجد اطلاعات جمع آوری شده است. چگونه و چه کسانی از این اقیانوس اطلاعات استفاده کنند؟ اما وقتی این اطلاعات درباره اشخاص باشد سؤالاتی جدی و پیچیده در باب حریم خصوصی ایشان پیش می‌آید.

مدیر پیشین بخش جامعه اطلاعاتی یونسکو در حمایت از حریم خصوصی نکاتی تکان دهنده را گوشزد کرده است. او می‌گوید ایالات متحده امریکا با همکاری انگلستان، کانادا، استرالیا و نیوزیلند از شبکه‌های اطلاعاتی که در اختیار دارند برای شنود، کنترل و پردازش اطلاعات روزانه بیش از سه میلیارد پیام تلفنی، دورنگار، و پست الکترونیکی در سراسر دنیا استفاده می‌کنند و هر گونه حرکت و فعالیت افراد در خانه و محل کار و مکان فراغت و مانند آن را تحت کنترل دارند. علاوه بر اینها شرکت‌های تجاری فعال در زمینه‌های جمع‌آوری و پردازش اطلاعات هم می‌کوشند با شیوه‌های مجاز و غیرمجاز این گونه اطلاعات را گردآوری کنند و به مؤسسات خواستار آنها بفروشند. وی سپس ضرورت مقابله با سوء استفاده‌های مختلف دولتهای بزرگ و مؤسسات بازرگانی را از اطلاعات شخصی و محرمانه مربوط به زندگی خصوصی افراد گوشزد کرد. (معمدنژاد: ۱۳۸۴، ۳۳۲-۳۳۴)

در زمینه تأثیرات فن آوری اطلاعات بر حریم خصوصی، مقالات و کتب زیادی به

نگارش در آمده است. برخی از سؤالات کلیدی این بحث عبارت است از: حریم خصوصی چیست و لازم است چه حد آن از سوی افراد دیگر، حرمت نهاده شود؟ نهادها چه وظایفی در باب حفظ حریم خصوصی افراد دارند؟ آیا می‌توانند اهداف نهادی خود را بر حفظ حریم خصوصی افراد مقدم دارند؟ آیا دولت‌ها می‌توانند حریم خصوصی افراد را نقض کنند؟ اگر این حکم، استثنایی دارد ملاک آن چیست و چه کسی در باب مصادیق این احکام استثنایی و ملاکهای آن داوری می‌کند یا باید بکند؟ بسیاری از افرادی که در این موضوع قلم زده‌اند اذعان دارند که اگر افراد بخواهند در جامعه‌ای خاص زندگی کنند برخی اطلاعات خصوصی ایشان از قبیل سن و محل زندگی و محل تولد و مانند آن برای جریان مؤثر کارهای دولتی و نیز ارتباطات روزمره طرفینی در آن جامعه لازم است. این، یکی از قدر متیقن‌های عدم لزوم حفظ حریم خصوصی است. اما نوع اطلاعاتی که برای این دو امر لازم است و نیز محدوده و گستره آنها بحث‌انگیز و مورد اختلاف است. فن آوری اطلاعات موجب شده است که سؤالات مطرح در این زمینه سؤالاتی گردد که جوابهایی فوری را طلب کند از آن جهت که قدرت فن آوری در ذخیره سازی اطلاعات و بازیابی آنها فوق العاده است. شاید گاهی در محاورات خصوصی چیزی را بگوییم که امید داشته باشیم شنوندگان آن را به فراموشی بسپارند یا چیزی را بنویسیم که بعدها از آن پشیمان گشته و امیدوار باشیم که خوانندگان برگه‌های ما را در لابلاهای دیگر برگه‌های متعدد و متفرق بایگانی خویش گم کنند و دیگر به خواندن آنها مبادرت نورزند. ولی فن آوری اطلاعات به همه این امکان را می‌دهد که همه اطلاعات حال و گذشته را به نحوی سامانمند بایگانی و ذخیره کنند و هر وقت آن را لازم داشتند فوراً آن را بیابند. از این جهت اگر حریم خصوصی شما در زمان و مکانی خاص افشا گردد، امید نداشته باشید که کاربران رایانه‌ها آن را فراموش کنند. چرا که فن آوری اطلاعات این امکان را سلب کرده است. این که شما چه چیزهایی خریده اید و از کجا آنها را تهیه کرده اید پولش را از کجا آورده اید؟ چقدر و به چه کسی اهدا کرده‌اید و از چه کسی چه انتظاراتی دارید و با چه

کسانی نامه‌نگاری می‌کنید و مراوده دارید همه و همه در دنیای سایبر درون بلندگوهای پخش می‌شود که اولاً امکان شنیدن آن برای همه هست و ثانیاً هرگز آوای مکرر و باقی آنها خاموش نمی‌شود و علاوه بر آن هر روزه با هر عملیات الکترونیکی شما بر حجم آنها اضافه می‌شود. امروزه حریم خصوصی اشخاص در معرض خطراتی است که قبل از فن آوری اطلاعات هرگز پیش نمی‌آمده است، همان طور که قبل از پیدایش فن آوری الکترونیکی هیچ کس در معرض خطر برق گرفتگی نبوده است. حال باید مواظب باشید جرعه الکترونیک گرفتگی، حریم خصوصی شما را به آتش نکشد! چه کسانی در قبال این خطرات پیش آمده مسئولیت دارند؟ مسئولیت افراد، نهادها، و دولت‌ها در قبال این خطرات چیست؟ با چه تدابیری باید این احساس نبود امنیت را کاهش داد؟

در اروپا در دهه ۱۹۶۰ بیشترین دلواپسی در مورد نقش دولت در ایجاد و استفاده از پایگاه داده‌های حاوی اطلاعات شهروندان بود. گرچه حفظ اطلاعات نزد دولت‌ها امر جدیدی نبود، ولی اسناد رایانه‌ای، درصد امکان ردیابی افراد را فوق العاده افزایش داده بود. پایگاه داده‌ها جایگزین پرونده‌های قطور شد، همه جا می‌شد یک رونوشت آنها را بدون نیاز به فضایی خاص تکثیر کرد. در نتیجه دولت‌ها امکان بیشتری برای استفاده از آنها پیدا کردند که در گذشته برایشان به صرفه نبود یا بودجه آن را نداشتند. اشتیاق روزافزونی در دولت‌ها پدید آمد که هرچه بیشتر اطلاعات زیادتری را از افراد ذخیره کنند تا هنگام نیاز، آن اطلاعات را بازیابی کنند. از اثر انگشت گرفته تا آدرس منزل و فامیله‌ها و شغلها و روابط اجتماعی و فعالیتهای سیاسی و جاهایی که سفر کرده و نکرده و...

البته باید توجه کنیم که جامعه ما در حال گذار است و هنوز به چنین سطحی نرسیده است. به یاد دارم که چند سال پیش پرونده معافیت تحصیلم را به کمک یک سرباز از درون پیت‌های حلبی روی هم انباشته طوری پیدا کردیم که هر آن ممکن بود دستمان بر اثر انباشتگی این پیت حلبی‌ها ببرد. وقتی آن را پیدا کردم به حال پرونده آن طلبه دیگری تأسف خوردم که مجبور شدیم پیت‌های جابجا کرده را روی پیت حلبی کج و معوج شده آن بیندازیم. سرباز می‌گفت هنوز به ما جایی و قفسه‌هایی نداده‌اند تا این

پرونده را به طور منظم در آن بگذاریم.

در عین حال نباید غفلت کرد که ما به سرعت به جامعه الکترونیکی نزدیک می‌شویم و این نحو مثالها به زودی به تاریخ خواهد پیوست و ما نیز دچار همان چالشهایی خواهیم شد که مخترعان فن آوری اکنون یا قبل از این با آن مواجه شده‌اند. بنابراین باید برای مشکلات فن آوری اطلاعات نیز چاره و راه کاری ارائه کنیم که البته باید مطابق با موازین دینی، ملی، و فرهنگی خودمان باشد.

یکی دیگر از مشکلات فن آوری اطلاعات در این خصوص آنست که مردمان برای این که حریم خصوصیشان را محفوظ بدارند، ناچارند از بسیاری کارهایی که قبلاً انجام می‌دادند، از خوف اطلاع دیگران دست بردارند. به نظر ناظران حقوق بشر این امر موجب محدودیت در آزادیهای مدنی و خودمختاری و استقلال رأی افراد می‌شود و خود امری ناپسند است. مواردی هست که می‌توان این محدودیت را امری شایسته یا ناشایست تلقی نمود و احکام این موارد در فرهنگ ما گاهی متفاوت با این احکام در فرهنگ غرب است.

البته نباید از نظر دور بداریم که پایگاههای داده‌های الکترونیکی منافع بسیار مهمی نیز دارد. کارآمدی بالاتر، توزیع مناسبتر و عادلانه‌تر امتیازات اجتماعی، و مراقبت و نظارت بیشتر و مؤثرتر در جلوگیری از جرمها از جمله مهمترین این منافع هستند. دولتها نیز برای نقض حریم خصوصی افراد نوعاً بر این منافع تأکید می‌کنند. اما در عین حال در نهایت نتوانسته‌اند افکار عمومی را نسبت به این نقض حرمت راضی کنند و همین امر موجب شد تا در سال ۱۹۷۴ قانونی در ایالات متحده به تصویب برسد که طی آن نهادهای دولتی از تشکیل پایگاه داده‌های متمرکز و جامع درباره اشخاص که حریم خصوصی ایشان را هدف قرار می‌دهد و در عین حال کارکردهای آنها به صراحت و روشنی مشخص نیست و توجیه کافی ندارد ممنوع شوند. برخی کشورها گامهای دیگری نیز برداشته‌اند و مؤسساتی ایجاد کرده‌اند تا از حریم خصوصی افراد حمایت کنند و با قدرت زیادی که به آنها داده شده این امکان را دارند که عملیات

دولتها و بخشهای خصوصی را که با این نوع اطلاعات سر و کار دارند تنظیم و کنترل کنند. اما به نظر بسیاری از منتقدان این نوع قوانین و نهادها نتوانسته است آن طور که باید و شاید توقعات اشخاص را برآورده سازد. (Nissenbaum, 1998, I).

طرفه آن که در نتیجه پیشرفتهای تکنیکی، و کاربرد آسانتر، و تنزل قیمتها، بخش خصوصی دارای نقشی فزاینده در ایجاد پایگاه داده‌ها در مورد اشخاص گردید و این اطلاعات دارای ارزش فوق العاده شد. اطلاعات افراد در طول عمرشان در مؤسساتی خصوصی از قبیل شرکتهایی که اعتبار مالی اشخاص را تعیین می‌کند، بیمه‌های درمانی را سامان می‌دهد و بسته‌های پستی را ارسال می‌کند، انباشته شد. همین انباشتگی ارزش افزوده‌ای پدید آورد که بسیاری از شرکتهای دیگر حاضرند برای داشتن آنها پولهای زیادی بپردازند. چون مثلاً می‌توانند بدون هزینه‌های زیادی که قبلاً می‌پرداختند کالای خود را تبلیغ کنند و به آدرسهای پست الکترونیکی که یک شرکتی جمع کرده بفرستند. امروزه انباشتگی این آدرسها بسیار ارزشمند گردیده و رغبت در آن زیاد شده است و اگر سامانه‌ای اخلاقی برای آنها ملحوظ نگردد ممکن است آسیبهایی جدی به امنیت روانی و آرامش درونی اشخاص وارد آید و جامعه را دچار چالشهایی نوین کند.

وجود منافع و مضرات مذکور در فن آوری اطلاعات چندان قاطع نیست که به راحتی بتوان در باب این نحو امور تصمیم‌گیری نمود و ارزیابی مدونی را صورتبندی کرد و به نظر می‌رسد که بحث از این امور یکی از بحثهای مهم جامعه فرهنگی ما است. در اینجا سعی داریم ابتدا حدود مسأله را روشن کنیم و سپس با توجه به ادله عقلی، حکم ارزشی هر مورد کلی را روشن سازیم و در عین حال به نوعی، نگاهی درون دینی به مسأله داشته باشیم و نسبت بحثها را با سنت خویش نشان دهیم.

تعریف حریم خصوصی

بدیهی است حریم خصوصی مفهومی است که شامل اطلاعات و غیر اطلاعات می‌شود. اما آنچه اینجا مورد کنکاش مفهومی قرار می‌گیرد تنها مورد اول است. هر

انسانی نزد خویش اطلاعاتی دارد که مایل نیست دیگران از آن مطلع شوند؛ اگر این اطلاعات به نوعی مربوط به خود شخص باشد حریم خصوصی آن شخص محسوب می‌گردد. البته گاهی اطلاعاتی که نزد افراد است مربوط به خودشان نیست بلکه مربوط به فرد دیگری است که نسبت خاصی نیز با خود آن شخص ندارد. این نوع اطلاعات نیز از حوزه بحث از حریم خصوصی خارج است. مثلاً اگر فرد تاجری از اموری اقتصادی که در کشور دیگری در جریان است اطلاع داشته باشد و در عین حال نخواهد که کسی از آن اطلاع یابد، در این حال اطلاعات این فرد داخل حریم خصوصی او محسوب نمی‌شود و احکام حریم خصوصی نیز شامل آن نمی‌شود.

اگر حریم خصوصی را به پیازی تشبیه کنیم، لایه اول حریم خصوصی شامل امور جسمانی و نفسانی فرد است که شامل خاطرات او نیز می‌شود. در این لایه هر امر دیگری که مقابل آن باشد «عمومی» تلقی می‌شود. لایه دوم حریم خصوصی روابط خانوادگی فرد را در برمی‌گیرد که از شخصی بودن فرد گذر می‌کند و بخشی از روابط اجتماعی او را نیز شامل می‌شود. در مقابل این لایه روابط اجتماعی وسیعتر و نیز فعالیتهای دولت قرار دارد که «عمومی» تلقی می‌شود. در لایه سوم همه روابط اجتماعی فرد، بخشی از حریم خصوصی او تلقی می‌شود. این لایه می‌تواند شامل روابط دوستی، شغلی، سکونتی، اقتصادی، تفریحی و هر فعالیت دیگری باشد که توسط فرد در اجتماع صورت می‌گیرد. مقابل این معنا در لایه سوم تنها فعالیتهای دولت قرار دارد که «عمومی» خوانده می‌شود. در یک تعریف پیشنهادی از حریم خصوصی آمده است: «امری را حریم خصوصی می‌نامند که فرد بتواند دسترسی به آن را در کنترل خودش داشته باشد» و حمایت از حریم خصوصی یعنی حمایت در مقابل دسترسی ناخواسته به آن امر به وسیله دیگران، اعم از این که دسترسی فیزیکی باشد مثل ورود به داخل خانه فرد (که قبلاً تذکر دادیم که از بحث ما خارج است)، یا دسترسی به اطلاعات الکترونیکی مثل دسترسی به اطلاعات شخصی فرد. تعیین این که چه کسی چه اطلاعاتی از شخص را در اختیار داشته باشد در حوزه حریم خصوصی آن فرد است.

(Rössler: 2005, 5-6 & 8)

برای توضیح بیشتر می‌توان گفت: برخی از اطلاعات شخصی هستند که نام آن را اطلاعات شناسنامه‌ای می‌گذاریم. این اطلاعات شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر و مادر، تاریخ و محل تولد، شماره شناسایی (شماره شناسنامه و کد ملی) نام همسر و فرزندان، و تاریخ و محل تولد هر یک از آنها است. نسبت‌های فامیلی (اعم از نسبی و سببی) و اطلاعات شناسنامه‌ای هر یک از ایشان را نیز می‌توان اطلاعاتی شبیه و ملحق به اطلاعات شناسنامه‌ای دانست.

نوعی دیگر از اطلاعات شخصی، اطلاعاتی هستند که معمولاً در رزومه افراد (C.V.) آورده می‌شود؛ این اطلاعات شامل شرح حالی از زندگانی و سوابق شغلی، تجربی، و تحصیلی افراد است. میزان تحصیلات، و محل تحصیل، رتبه‌های علمی و مقالات نگارشی و کتب انتشار یافته به همراه تجارب شخصی و مهارتهایی که یک فرد دارد و نیز شغل‌هایی که تا کنون برگزیده و مدت زمانی که در هر یک اشتغال داشته و مکان و خصوصیات هر یک از این شغلها در اینجا ذکر می‌شود. نشانی و شماره تلفن منزل، محل کار و یا تحصیل، و نیز پست الکترونیک فردی و شغلی نیز به همراه برخی از مشخصات شناسنامه‌ای در رزومه افراد می‌آید. مسافرت‌هایی که فرد رفته نیز می‌تواند در یک رزومه مطلوب جایی داشته باشد. در گذشته نیز افرادی بوده‌اند که حسب و نسب خود و اشخاص دیگر را در ذیل یک شجره نامه حفظ کرده‌اند. این امر به ویژه در بین سادات و نیز صاحب منصبانی که نسل آنها به بزرگی می‌رسیده شایع بوده و تا حدودی همچنان باقی است. در گذشته برخی از افراد مسافرت‌های خویش را در ضمن سفرنامه‌ها و زندگی‌نامه‌هایی می‌نوشتند که برخی از آنها خودنوشت است. همه این نوع اطلاعات را می‌توان مصادیقی از حریم خصوصی افراد انگاشت.

البته اطلاعات و حریم خصوصی افراد را نباید صرفاً اموری که مکتوب هستند انگاشت. هم حریم خصوصی و هم اطلاعات شامل امور کتبی، شنیداری و دیداری نیز می‌شوند. مثلاً عکسهای خانوادگی شخص، بخشی از حریم خصوصی و اطلاعات

خصوصی فرد است همان طور که خبر یا فیلمی از امور درون منزل شخص نیز چنین است.

از سوی دیگر باید توجه داشته باشیم که روحیات افراد در افشا یا اخفای حریم خصوصیشان یکسان نیست. برخی به شدت بر حفظ و اخفای آن تحفظ دارند. به حدی که مایل نیستند که نام و نسبشان را کسی بدانند. برخی از آقایان مایل نیستند از کوچکشان یا سن و سالشان به شدت حساس هستند. برخی از آقایان مایل نیستند از گذشته شغلی اشان خبری دهند یا بگیرند. اما برخی دیگر نه تنها به اطلاعات شناسنامه‌ای خویش حساسیتی ندارند بلکه بخشهایی از آن و حتی گاهی کل زندگی‌نامه و رزومه خویش را در دسترس همگان قرار می‌دهند. می‌توانید نمونه‌هایی از این کار را در ذیل عناوین اعضای هیأت‌های علمی برخی دانشگاهها یا علمای بلاد و محققان و طلاب و دانشجویان در پایگاههای اینترنتی که در دسترس همگان است ملاحظه کنید. اما این سلیقه‌های مختلف موجب نمی‌شود که این موارد داخل یا خارج از حریم خصوصی افراد تعریف شوند، گرچه مقدار حساسیت افراد به حریم خصوصیشان در ارزش داوری نسبت به افشای آن دخیل است. به عبارت دیگر مقدار حساسیت افراد در موضوع شناسی مسأله دخیل نیست گرچه در حکم ارزشی آن تأثیرگذار است. پس از روشن شدن تعریف حریم خصوصی اینک به ارزشگذاری در باب آن می‌پردازیم:

۲- ارزشگذاری بازبینی اطلاعات و حریم خصوصی افراد

در کتاب راهنمایی که اطاق بازرگانی بین‌المللی، در سازمان تجارت جهانی برای سیاستگذاران در حوزه تجارت بین‌الملل منتشر کرده، مجموعه دستور عملهایی برای تجار با عنوان «ابزار حریم خصوصی» تدوین شده است. در آنجا ابتدا به دو نکته اشاره می‌شود. اول، در باب حریم خصوصی، نظام مقرر واحدی که برای تمام کشورها کارآمد باشد وجود ندارد. نظامهای فرهنگی، اقتصادی و حقوقی در کشورها متفاوت است و در

نتیجه نمی‌توان راه‌کار مناسب واحدی برای همه عرضه کرد. دوم، در عین حال می‌توان به مجموعه‌ای دست یافت که بیشترین خصوصیات مشترک را با دیگر نظامها داراست. با توجه به گشودگی و رقابتی بودن اقتصاد جهانی راه‌حلهای قانونی برای حریم خصوصی نیز نباید متعین و تغییرناپذیر باشد، بلکه باید انعطاف‌پذیر بوده و قابلیت تغییر در طول زمان را داشته باشد. نکته دیگر این است که به نظر این سازمان نباید مقررات دست و پاگیر، چنان حریم خصوصی افراد را در حصار گیرد که منافع قابل استحصال از طریق آن را که به رشد اقتصادی مساعدت می‌کند بی‌جهت محدود کند (International Chamber of Commerce: 2003, 3). البته باید توجه داشت برای کشورهای در حال توسعه چون ایران توجه به تدوین مقررات لازم برای حفظ حریم خصوصی افراد ضروری است و این تذکرات پس از آن سودمند است که مقرراتی کافی برای حفاظت از حریم خصوصی افراد در حال تدوین و تصویب باشد.

باید توجه کنیم که در ابتدای بحث از حکم ارزشی در بازبینی حریم خصوصی افراد نباید مواردی را فرض کنیم که عنوان دیگر ارزشی که در داوری ما اثر گذار است داخل در بحث گردد. مثلاً نباید فرض کنیم که ورود در حریم خصوصی شخصی موجب حفظ نظام ملی می‌شود. این گونه فروض مانع می‌شود که حکم ارزشی در موضوع اصلی بحث به خودی خود روشن گردد. به عبارت دیگر باید توجه کنیم که عناوین دیگری با عنوان بحث ما مخلوط نشود، بلکه خود موضوع به صورت مجرد و خالی از هر عنوان دیگری لحاظ گردد.

به همین جهت روشن است که دخالت در حریم خصوصی شخصی که سابقه ضدیت با نظام دارد و اینک قرائن موثقی بر ادامه فعالیت‌های سابقش بدست آمده است در هیچ حکومت عادلانه ممنوعیت ندارد. اگر توطئه ثابت شود، حکم حریم خصوصی نمی‌تواند مانع اخلاقی در بالا رفتن از خانه شخص گردد. همان طور که اگر شخصی در منزل خویش بدون حجاب باشد مسلماً عکسبرداری و فیلمبرداری از آن امری است که اخلاقاً مذموم است و این نکته به دلیل حکم ارزشی حجاب است که در نوع جوامع

حدودی از آن رعایت می‌شود.

سؤال اصلی این است که اگر این عناوین دیگر همراه موضوع بحث ما نباشد، حکم ورود در حریم خصوصی چیست؟ اگر شخصی، زندگی در یک شهر یا جامعه‌ای را برگزید نمی‌تواند درخواست این حق را داشته باشد که اطلاعات اولیه شخصی او مانند نام خانوادگی برای هیچ فرد دیگری فاش نگردد. نام صاحبان املاک بر روی قبضه‌های آب، برق، گاز، تلفن و کارتهای اعتباری و سازمانهای ثبت احوال و اسناد و مانند آن مندرج است و هیچ کس نمی‌تواند برای خود این حق را قایل باشد که نام او را از این موارد حذف کند. اقتضای شهروندی آنست که به لوازم آن پایبند باشند. نام و مشخصات صاحبان مشاغل مثل نانویان بر روی جواز کسبشان ثبت است و ایشان گاهی موظفند آن را در معرض دید همگان قرار دهند. اطلاعات شخصی مربوط به نام و نام خانوادگی و تاریخ تولد (سن) و نام پدر و شماره شناسایی و محل صدور شناسنامه افراد بر روی گواهینامه رانندگی مندرج است و افراد موظفند در مواردی که قانون شهروندی اقتضا می‌کند آنها را برای افرادی خاص افشا کنند. هیچ شهروندی نمی‌تواند به بهانه حفظ حریم خصوصی خویش از افشای این اطلاعات خودداری کند. به طور کلی مواردی هست که قانون یک شهر و دولت جهت حفظ نظم شهر و امنیت خود شهروندان افشای آن را لازم دانسته است.

اما در اینجا لازم است دست کم به دو نکته اشاره شود: اول این که با ورود دو عنوان ارزشی دیگر یعنی حفظ نظم شهر و امنیت شهروندان از موضوع بحث خویش که حریم خصوصی فی نفسه بود خارج شده‌ایم و موضوع بحث را به خودی خود لحاظ نکرده‌ایم، بلکه آن را با دو عنوان ارزشی دیگر یعنی حفظ نظم و امنیت مخلوط و مرکب ساخته‌ایم و طبیعی است که حکم مخلوط بتواند غیر از حکم اجزاء باشد. و همین نکته ما را به نکته دوم رهنمون می‌سازد و آن این که اگر فرض کنیم که افشای برخی از این نوع اطلاعات هیچ ربطی به نظم شهر و امنیت آن نداشته باشد آنگاه چرا باید شهروندان را به افشای آن الزام نمود؟ چرا باید سن و سال اشخاص و محل صدور

شناسنامه اشخاص بر روی گواهینامه رانندگی معلوم باشد، مسلماً صدور گواهینامه نشانگر آنست که صاحب آن سن قانونی لازم را برای رانندگی دارد و محل صدور شخص نیز نمی‌تواند برای حفظ نظم و امنیت شهر مفید باشد، و شاید آدرس محل سکونت شخص برای نیروی انتظامی و حفظ نظم و امنیت مفیدتر است. سخن بر سر این است که اگر معلوم شود بخشی از اطلاعات درخواستی دولتمردان جهت افشای عمومی ضرورتی ندارد و اگر معلوم شود که حفظ حریم خصوصی افراد یک ارزش فی نفسه است، باید دولتها از درخواست افشای اطلاعات خصوصی اضافی منع شوند و به حد لازم آن اکتفا کنند. دولتها ممکن است مجاز باشند که برای مصالح نظامشان بسیاری از اطلاعات افراد را نگهداری کنند اما به نظر نمی‌رسد درخواست افشای همه آن اطلاعات در چیزی مثل گواهینامه رانندگی امری بایسته و شایسته باشد.

زندگی جمعی، الزاماتی را بر شهروندان تحمیل می‌کند. همان طور که زیست اجتماعی انسانها می‌تواند مانع سازمانها شود که به اطلاعات شهروندان دسترسی داشته باشند، می‌تواند مانع انسانها شود که بخشهایی خاص از حریم خصوصی خویش را افشا کنند. الزامات زندگی اجتماعی دوسویه است: یعنی هم جنبه ایجابی بر فرد و اجتماع دارد (یعنی ایشان را ملزم می‌سازد که حریم خصوصی فرد را افشا کنند) و هم جنبه سلبی بر فرد و اجتماع دارد (یعنی ایشان را ملزم می‌سازد که حریم خصوصی فرد را مخفی کنند). با دقت در مسأله با چهار نوع مورد کلی مواجه می‌شویم. اول جایی است که بر فرد لازم است حریم خصوصی خویش را افشا کند مانند مواردی که برای صدور گواهینامه رانندگی لازم است. دیگری جایی است که بر اجتماع یا نمایندگان ایشان (اعم از نهادها یا دولتها) لازم است به حریم خصوصی افراد وارد شوند مانند جایی که امنیت اجتماعی در خطر است و قانون نیز بر این تصمیم صحه گذاشته است. سوم جایی است که بر فرد لازم است حریم خصوصی خویش را پنهان سازد مانند خصوصیتی از ویژگی های جنسی افراد که افشای آن موجب ترویج خشونت جنسی و مانند آن به ویژه بین کودکان و نوجوانان یا علیه ایشان است. چهارم جایی است که بر

اجتماع یا نمایندگان ایشان (اعم از نهادها یا دولتها) لازم است از ورود به حریم خصوصی افراد جلوگیری کنند به دلیلی مشابه دلیل قسم سوم. این که نهادها و دولتها در چه مواردی می‌توانند مانع جواز افشای حریم خصوصی افراد شوند یا این که در چه مواردی می‌توانند به حریم خصوصی افراد وارد شوند، به ارزشهای دیگر فردی و اجتماعی در اخلاق ارجاع می‌یابد.

مثلاً اتاق بازرگانی بین‌المللی مشهور به ICC از شهروندان می‌خواهد که برای توسعه تجارت اجازه دهند تا اطلاعات شخصی ایشان را که به رشد اقتصادی کمک می‌رساند در اختیار قرار دهند. ایشان به این طریق می‌توانند مذاق مصرف‌کنندگان کالاها را حدس بزنند و منطبق بر آن کالاهای خدماتی و تولیدی بهتری را فراهم کنند و از این طریق رضایتمندی مشتریان را که همان صاحبان داده‌های شخصی هستند بیش از پیش جلب کنند. مثلاً در یک مورد با کسب اطلاع از خصوصیات اعتباری مشتریان وامهای بانکی و مؤسسات اعتباری، در نهایت اعتبارات بیشتری با بهره کمتر در اختیار خودشان قرار دادند. این کار موجب شد حدود ۱۳۰ میلیارد دلار در یک سال به نفع مشتریان وامها صرفه جویی شود (International Chamber of Commerce: 2003, 9-10).

سازمانها و نهادهای دولتی و خصوصی برای استخدام یا تحصیل یا اموری مانند آن اطلاعاتی بیش از آنچه بر روی جواز کسب یا گواهینامه رانندگی آمده است مطالبه می‌کنند. از سوابق تحصیلی و سطح نمرات و اموری از قبیل مسافرتها و فعالیتهای قبلی انسان سؤال می‌کنند. مسلماً این سازمانها و نهادها، اهدافی دارند که آن اهداف ایشان را مجاب می‌کند که بتوانند از این نحو حریم خصوصی اشخاص پرس و جو کنند. اما باید دانست که حفاظت از آن اهداف وقتی در تعارض با یک ارزش دیگر چون حفظ حریم خصوصی واقع شود داوری در باب آن مشکل می‌شود. باید ببینیم که اگر بین این دو ارزش یعنی حفظ اهداف نهادهای مدنی و حفظ حریم خصوصی تعارضی پیش آید کدام اولویت دارد؟ هر سازمانی می‌تواند به بهانه خدماتی که به شهروندان ارائه می‌کند یک برگ رونوشت شناسنامه، و دو قطعه عکس طلب کند و از دهها نکته خصوصی در

قالب یک فرم تقاضا سؤال کند؟ آیا این سؤالات محدود به حدودی هستند؟ چه کسی این حدود را تعیین می‌کند؟ در جوامع غربی، دولتها، موظفند سازمانهای مدنی را در تقاضای اطلاعات شخصی محدود کنند. اما در جامعه اسلامی حکم چگونه است؟ آیا سازمان آب یا گاز یا برق و مانند آنها می‌تواند از مذهب متقاضی سؤال کند و سپس به او انشعاب بدهد؟ در توصیه‌هایی که توسط OECD صورت گرفته این نکته گوشزد شده که اطلاعات شخصی باید با اهدافی که برای آن، مورد استفاده قرار می‌گیرند تناسب داشته باشد، و تا حدی صورت گیرد که برای این اهداف ضرورت دارد. بنابر این سازمانها نباید اطلاعاتی را درخواست کنند که با اهداف نهادی آنها تناسبی ندارد. مثلاً مسافرتهاى شخصی افراد نمی‌تواند به اهداف سازمان آب جز در فرضهای نادر ارتباطی پیدا کند. (OECD Guidelines on Protection of Privacy and Transborder Flows of Personal Data)

وقتی در دانشگاه منچستر بودم روی پست الکترونیکی که دانشگاه داده بود مواردی ارسال می‌شد که در آن مکانهایی را برای کار در دانشگاه برای همه کارمندان و دانشجویان دانشگاه پیشنهاد می‌کرد و در ذیل آنها نوشته شده بود که مذهب شما هر چه باشد تأثیری در گزینشها ندارد. امروزه در برخی کشورهای پیشرفته ادعا این است که نه تنها از دین و مذهب کسی سؤال نمی‌کنند بلکه تأثیر این امور در گزینشها را نیز بی‌عدالتی تلقی می‌کنند بدان جهت که گزینش دین و مذهب نزد ایشان از حریم خصوصی اشخاص تلقی شده است و تبعیض در گرایشهای مذهبی نیز مانند تبعیض نژادی خلاف حقوق بشر محسوب می‌گردد. البته چالشهای سالهای اخیر پس از واقعه یازدهم سپتامبر این نوع حقوق انسانها را به شدت تهدید کرده است و موارد نقض آن در بسیاری از اوقات از اخبار عمومی کشورهای غربی به گوش می‌رسد. تصویب قانون جواز شنود مکالمات تلفنی شهروندان امریکا از سوی کنگره یکی از مواردی است که سر و صدای زیادی را در امریکا به وجود آورد.

گام نخست در پاسخ به سؤالات بند قبل این است که ابتدا ارزش ذاتی حفظ

حریم خصوصی را ثابت کنیم و بعد از آن به تعیین حدود آن و اولویت‌بندی آن نسبت به اهداف نهادها و نیز دولت‌ها بپردازیم.

لیبرالیستها معتقدند از ویژگی‌های یک جامعه لیبرال این است که شهروندانش این امکان را دارند که زندگی خویش را بر اساس آرمانهایی که خود برای خیر و سعادت شخصی خویش تعریف می‌کنند سامان دهند. ممکن است این نکته را روح و منشأ جوامع متجدد و مدرن بدانیم. لبّ این نظر عبارت است از آزادی فردی برای سبکی از زندگی به نحوی که خود فرد گزینش کرده است. این نوع آزادی مستلزم یک نوع خودمختاری در عمل و ارتباط مستقیم افعال هر فرد با خود آن فرد و منافع وی است. بنابراین، آزاد بودن به معنای آزادی سامان دادن زندگی به صورتی مستقل و خودمختارانه است. (Rössler: 2005, 43).

البته ممکن است تقریری از استقلال و خودمختاری بدست دهیم که مستقل از ارزش آزادی بلکه بالاتر از آن باشد. اما زندگی آزادانه به معنای زندگی همراه با گزینشهای دلخواهی است و با عمل بدون دلیل هم سازگار است. زندگی خودمختارانه، اقتضای عمل از روی دلیل دارد. یعنی فرد بتواند برای عملش دلیل خوب و موجهی نزد خودش اقامه کند. فردی که نتواند حتی برای تصمیمات مهمش دلایل خوبی اقامه کند، گرچه آزادانه عمل کرده، خودمختارانه عمل نکرده است. برای این که یک عمل، خودمختارانه باشد کافی نیست که از سوی فرد گزینش شده باشد بلکه علاوه بر آن، باید تا آنجا که در امکان شخص بوده گزینش خوبی باشد و بر پایه درستی بنا شده باشد. (Rössler: 2005, 49-50)

حریم خصوصی اشخاص تا جایی که خصوصی باشد بخشی از حقوق شخصی تلقی می‌شود که صرفاً توسط خود شخص قابل تصرف است. همان طور که تصرف انسان در اموال و حقوق دیگرش به دست خود اوست، تصرف در حریم خصوصی او نیز به دست خود اوست. انسان می‌تواند مال خویش را حفظ کند و از حقوقی که عرف و شرع برای او ثابت کرده بهره مند باشد، آنها را برای خویش حفظ کند یا به دیگری

واگذار نماید. به همان نحو انسان بر حریم خصوصی خویش حقی دارد که تمام عقلاء آن را می‌پذیرند. همان طور که کسی نمی‌تواند در حقوق افراد به غیر اذن و اجازه تصرف کند، در حریم خصوصی افراد نیز بدون اذن و اجازه ایشان نمی‌تواند وارد شود. این امری مسلم و حتمی بین تمام جوامع بشری است که هر گونه تصرف بدوی در حریم خصوصی اشخاص را اگر بدون عذر موجهی باشد ظلم محسوب می‌دارند. مصادیقی از این حق مورد تأیید شرع مقدس نیز قرار گرفته است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ * فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَ إِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ * (سوره نور آیه ۲۸-۲۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید. این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید. و اگر کسی را در آن نیافتید، پس داخل آن مشوید تا به شما اجازه داده شود؛ و اگر به شما گفته شد: «برگردید» برگردید، که آن برای شما سزاوارتر است، و خدا به آنچه انجام می‌دهید داناست.

مرحوم علامه طباطبایی - قدس سره - در تفسیر آیه ۲۷ می‌فرماید: «مثلاً با یا الله گفتن یا سرفه کردن و مانند آن صاحب خانه را خبر کند که کسی هست که می‌خواهد داخل شود تا صاحب خانه آماده ورود او گردد، چه بسا در حالتی باشد که نخواهد کسی او را ببیند یا فردی از آن مطلع گردد.» (الطباطبایی: ۱۴۱۷، ۱۰۹/۱۵). به این مضمون روایاتی نیز وارد شده است. (ببینید: الحر العاملی، وسایل الشیعه ۸۱/۱۲، باب ۵۰) این مورد از مصادیق حرمت افشای حریم خصوصی است. با ورود بی اجازه در منزل فرد، ممکن است اموری شنیداری یا دیداری از صاحب خانه هویدا گردد که مایل به افشای آن نبوده است. به نظر می‌رسد که خانه خصوصیتی نداشته باشد هر جا که حریم خصوصی انسان محسوب شود مشمول همین حکم است. ممکن است این مکان دفتر کار

شخصی باشد. اگر در بسته است و بیرون نمایی ندارد و شخص نیز وظیفه پاسخگویی یا عرضه خدمات عمومی و مانند آن بر دوش ندارد، ورود بدون اجازه و بدون در زدن مشمول ممنوعیت آیه است.

حتی در روایات آمده است وقتی انسان وارد خانه خودش نیز می‌شود اگر کسی در آنجا هست به او سلام کند و اگر نیست به خودش سلام کند. (همو؛ الصدوق، ۱۳۶۱، ۱۶۳) در روایاتی دیگر آمده است که قبل از اجازه با چشمان خویش به درون منزلها نگاه نکنید.

متفاهم عرفی از ورود و دخول در منزل، شامل ابزارهای جدید که مصادیقی عرفی از اطلاع از وقایع درون منزل محسوب می‌شود نیز هست. بنابر این، این آیه شامل تصاویر مدار بسته و دوربین و مانند آن نیز می‌شود چون این نیز نوعی اطلاع بدون اجازه از درون منزل است. هر نوع اطلاع‌گیری از درون منزل به طور مستقیم یا با ابزارهای جدید در صورتی که بدون اذن باشد مشمول این حکم است. نیز اگر تلفن کسی را شنود کنند و سخنان او را با دیگران بشنوند یا ضبط کنند بعید نیست که عمومیت حکم وارد در آیه، شامل شود.

این آیه صرفاً مربوط به جایی نیست که احتمال کاری خلاف برود و شرع بخواهد امور قبیح مخفی بماند. حتی اگر بدانیم که شخص به کاری اشتغال دارد که اگر همگان بدانند برایش بهتر و در حسن شهرتش مؤثر است باز آیه از ورود بدون اذن منع می‌کند. بنابر این حتی کسی که بخواهد از عبادتهای خالصانه فردی نیز مطلع گردد یا آن را به اطلاع دیگران برساند، باز اطلاق نهی شامل و مانع ورود است.

نیز این آیه صرفاً در مواردی نیست که فرد بخواهد از قیودی که حضور در اجتماع تحمیل می‌کند آزاد باشد. حتی اگر وارد شونده بر خانه بداند که شخص در خانه نیز تمام هیأت اجتماعی خویش را حفظ می‌کند باز ورود در خانه بدون اجازه امر خیری نیست و مورد نهی است. شاید فردی حوصله حضور دیگران را نداشته باشد یا بخواهد دمی را در تنهایی بسر برد و مانند آن. اطلاق این آیه تمام موارد فوق را در بر می‌گیرد.

البته می‌توان برخی از این امور را از حکمت‌های آیه دانست ولی از آنجا که اطلاق آیه محصور در این موارد نیست، نمی‌توان حکم ارزشی حفظ حریم خصوصی خانه را به آن حکمتها منحصر نمود.

در مجموع از این آیات شریف چند حکم معلوم می‌شود: اول این که اگر به خانه غیر وارد شد و به او اجازه دادند که وارد شود می‌تواند وارد شود و اگر اجازه ندادند نباید وارد شود. دوم این که اگر کسی در خانه نبود که به او اجازه ورود دهد نیز نباید به خانه وارد شود. سوم این که وقتی فرد دیگری را از ورود در منزلش نهی کرد آن دیگری نباید داخل شود. به عبارت دیگر نقض حریم خصوصی و خلوت افراد نیز مورد نهی واقع شده است. همه این احکام نشان از آن دارد که اطلاع و ورود به خانه اشخاص بدون اجازه ایشان کاری ممنوع و ناشایست است.

نکته درخور توجه این است که در خلال این احکام علت اخلاقی و ارزشی حکم شرعی نیز بیان شده است: کلمه «خیر» و «ازکی» از محمولات فقهی نیستند بلکه از عبارتهای ارزشی اخلاقی هستند. ماده «زکو» به معنای پاکی از پلیدی و زشتی است. ازکی بودن به پاکی معنوی این اعمال و خیر بودن به حسن ذاتی و ارزشی آن اشاره دارد. توجه به این امور در احکام شرعی ما را به احکام اخلاقی که غایت میانی احکام شرعی هستند رهنمون می‌سازد. بدون توجه به این احکام ارزشی، نوع احکام شرعی اموری خشک و جامد به نظر می‌رسد و موجب یک سو نگری در ابعاد دین مبین اسلام می‌شود که متأسفانه در برخی افراد شیوع دارد. اسلام در تأسیس شریعت غایاتی را مد نظر داشته که احکام فقهی بدان غایات رهنمون می‌شود. رشد اخلاقی انسانها و تزیین به ارزشهای عقلی مانند کرامت، شجاعت و عفت و ارزشهای دینی مانند تقوا و امید به خدا و پاکسازی نفس، از غایات احکام شرعی است و غفلت از آنها موجب جمود فکری و کم بهایی عبادات است. تتمیم و تکمیل مکارم اخلاقی هدف انبیاست و عبادتی که به این مکارم اخلاقی نینجامد عبادتی در خور تحسین و تمجید نیست هر چند موجب تعذر باشد و عابد را از عقاب الهی برهاند.

لازم است محققان علوم دینی این محمولات ارزشی را در قرآن استقصا کنند و مانند احکام خمسسه فقهی (وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه) در طبقه بندی خاصی قرار دهند و مفاهیم هر یک را شرح و تحلیل نمایند. بایسته‌ها و شایسته‌های اخلاقی را از امور قبیح و ناشایست باز شناسند و طبقه بندی افعال خیر و شر را با توجه به نیازهای جدید نظری و عملی در رساله‌های مستقلی مدون سازند. این به معنای تدوین علم جدیدی مشابه اصول فقه است که در آن اصول بنیادین علم اخلاق تدوین شده باشد و روش استنباط احکام ارزشی و اخلاق دینی در آن روشن باشد و نسبت آن با ارزشهای اخلاق عقلی و رابطه فضایل عقلی با فضایل دینی در آن تبیین شده باشد. به دلیل توسعه علم اصول فقه در عصرهای گذشته بسیاری از این احکام و موارد مشابه آن را می‌توان در علم اصول فقه و متون مدونی که قدماء در این زمینه نوشته‌اند یافت. به همین دلیل علم اصول فقه تنها برای فقه نیست بلکه در استنباط احکام ارزشی و اخلاقی نیز کمک شایانی می‌کند هر چند در بسیاری موارد دیگر در زمینه احکام ارزشی نیازمند متمیم و تکمیل است.

البته حفظ حریم خصوصی افراد در نامه‌ها و مکتوبات و اسناد از آیه فوق استفاده نمی‌شود. مگر آن که تنقیح مناط حکم کلی حفظ حریم خصوصی در همه شکل‌های آن از آیه فهمیده شود.

همچنین در مورد گوش دادن به صحبتها و مکالمات اشخاص در روایتی به طور مسند از امام صادق علیه السلام آمده است که هر کس به قومی گوش می‌کند در حالی که ایشان از این کار او کراهت دارند روز قیامت در گوش او سرب گذاخته ریخته شود. (الصدوق، ۱۳۶۴، ۲۲۳)

دلیل دیگر بر قبح نظر به حریم خصوصی افراد در همه صورتهای آن اعم از صوت و تصویر و کتابت نهی از تجسس در آیه دوازده سوره حجرات است. تجسس به معنای تفتیش از باطن امور و اخبار است و گرچه در بیشتر احیان در موارد شر و قبیح بکار می‌رود ولی اختصاصی بدان ندارد (الطریحی، ۱۳۹۵، ق، ماده جسس)

مواردی از روایات نیز هست که نظر در مکتوبات شخصی افراد را منع کرده است. در حدیثی است که هر کس بدون اجازه برادرش در کتابت او نظر کند گویی که درون آتش (است و) نظر می‌کند. (الاحسان، ۱۴۰۵، ۱۸۱/۱). نیز در روایات صحیح از امام صادق نقل شده است که فرمودند عورت مؤمن بر مؤمن حرام است و عورت را نه به معنای خاص بلکه به معنای عام یعنی به افشای اسرار ایشان تفسیر کردند. (الکلینی، ۱۳۶۵، ۳۵۹/۲) حضرت امام خمینی - قدس سره - در بند ششم فرمان هشت ماده‌ای خود صریحاً تجسس در امور شخصی افراد را جز مواردی که توطئه‌ای در کار باشد منع کردند. (امام خمینی، ۱۰۶/۱۷)

کتابنامه

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین‌الدین، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه*. قم: انتشارات سید الشهداء، ۱۴۰۵ ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی. *معانی الاخبار*. قم: مؤسسه جامعه مدرسین دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
۳. _____ . *الخصال*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۲، ۱۴۰۳ ق.
۴. _____ . *ثواب الاعمال*. قم: شریف رضی، چاپ دوم، ۱۳۶۴.
۵. حر العاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌البتیة لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۶. خمینی، روح‌الله. *صحیفه نور*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۶۴ ش.
۷. الطریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین و مطلع النیرین*. قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۵ ق.
۸. المجلسی، محمدباقر بن محمد تقی. *بحار الانوار*، مؤسسه الوفاء، ج ۴۶، ۱۴۰۴ ق.
۹. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، *جامع الاحادیث نور ۲/۵*، [صفحه

- فشرده [قم، ۱۳۷۸].
۱۰. معتمدنژاد، کاظم. اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی. تهران: پدیده: گوتنبرگ، ۱۳۸۲.
۱۱. معتمدنژاد، کاظم. جامعه اطلاعاتی، اندیشه‌های بنیادی، دیدگاه‌های انتقادی و چشم‌اندازهای جهانی. تهران: پدیده: گوتنبرگ، ۱۳۸۴.
۱۲. کاپلستون، فردریک چارلز. تاریخ فلسفه، ج ۱. ترجمه جلال‌الدین مجتبوی، تهران: ۱۳۶۲.
۱۳. الکلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- 14- Barlow, J.P., 'Coming In to the Country', *Communications of the ACM* 34 (3), 1991.
- 15 - International Chamber of Commerce, *Privacy Toolkit, An international business guide for policymaker*, International Chamber of Commerce, Paris, 2003, 3
- 16 - Moor, J., 'What is Computer Ethics?', *Metaphilosophy*, 16 (4), 1985.
- 17 - Nissenbaum, Helen, 'Information Technology and Ethics', *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, Version 1.0, London: Routledge, 1998.
- 18 - OECD Guidelines on Protection of Privacy and Transborder Flows of Personal Data,
http://www.oecd.org/document/18/0,2340,en_2649_34255_1815186_1_1_1_1.00.html
- 19 - Plato, *the Republic*, ed. J. Adam, revised. D.A. Rees, Cambridge: Cambridge University Press, 1963, 2 vols.
- 20 - Rössler, Beate. *The Value of Privacy*. Cambridge: Polity Press, 2005.